



## اسناد و مدارک

واردان نازاریان

### مسیر سفر جوقایسی در ایران

ظاهراً "پطروس جوقایسی باید از ارامنه ایران و اهل جلفای اصفهان باشد ، زیرا کلمه جوقایسی به ارمنی ، همان کلمه جلفائی به فارسی است ، علی‌الخصوص که لهجه ارمنی جلفای اصفهان در نوشته‌اش حفظ شده است . اما احتمالاً " او بازرگان بوده و بیشتر عمر خود را در خارج از ایران و شاید در انگلستان گذرانده است . اکنون که سیصد سال تمام از تاریخ نوشتن این چند برگ میگذرد ، با نهایت مختصر بودن مطلب ولی برای آگاهی از اوضاع جغرافیائی آن زمان ایران ، از روی متن تصحیح شده آقای آرداشس ماطه‌وسیان به فارسی ترجمه شده و به دسترس علاقه‌مندان گذاشته می‌شود .

واردان نازاریان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی \*

در موزه بریتانیا در بخش Sloane یک دست‌نوشته ارمنی به شماره ( ۱۷ ) ۴۰۹۰ نگهداری می‌شود که بر روی کاعد چینی در دو صفحه ( هرکدام از صفحات دارای چهل سطر بر می‌باشد ) ، با خطی ابتدائی نوشته شده است . این دو صفحه خطی توسط پطروس جوقایسی فرزند هاکوب پس از سیر و سفر خود در اول دسامبر ۱۶۷۶ میلادی در لندن به رشته تحریر درآمده است . قصد از او نوشتن این چند برگ ، این بود که راه‌های عمده تجارتنی و نقاط مهم و فاصله بین آنها در محدوده ایران را نشان دهد .

مبدأ سفر مؤلف ، بندرعباس در خلیج فارس بود . از این بندر اولین نقطه شروع

می‌شود و سپس مؤلف به بندرگاه‌های مهم ایران و عرب در خلیج فارس رهسپار می‌گردد. دومین مسیر او از راه خشکی است، که از همان نقطه اول یعنی بندرعباس خارج شده به طرف مغرب حرکت می‌کند و به سوی لار، شیراز، اصفهان، قزوین، تبریز و سپس از ایروان به ارزروم می‌رود.

سومین مسیر او، خارج از ایران است، یعنی او از ارزروم یا بهتر است بگوئیم از سلسله کوه‌های بیوراگان و از مسیر فرات به طرف بغداد و بصره سرازیر شده است. در اینجا فقط فاصله بین دو شهر آخری ذکر شده است.

چهارمین و طولی‌ترین مسیر از بغداد شروع شده، وارد خاک ایران می‌شود و سپس از کرمانشاه به طرف شمال تا قزوین می‌رسد. نویسنده از آنجا به طرف قم و سپس از طهران به مشهد می‌رود. در اینجا راه دو قسمت می‌شود: یکی به قندهار (افغانستان کنونی) و دیگری به مرو (اوزبکستان کنونی) منتهی می‌شود.

نویسنده درباره بعضی از شهرها اطلاعات مختصری می‌دهد و در جاهای دیگر فقط مکان و فاصله از مقصد قبلی را ذکر می‌کند.

واحد اندازه‌گیری نویسنده، "لیگ" و "یک روزه راه" است که می‌توان این مقدار را پیاده و یا سواره طی کرد؛ همچنین نویسنده از "قوناق" یا "کاروان‌سرا" هم برای اندازه‌گیری استفاده کرده است. نویسنده با واحد اولی، فواصل دریائی و با دو واحد بعدی، خشکی را سنجیده است. فاصله‌ها با الفبای ارمنی و ضمناً "بارقم نشان" داده شده است، که گاهی حروف و گاهی هم شماره در اول قرار می‌گیرد. ولی به منظور هماهنگی در تصحیح این دست‌نوشته، تمام حروف در ابتدای ارقام قرار داده شده است.

نکته جالب این است که چند برگ سفرنامه، با لهجه ارمنی جلفای اصفهان نوشته شده است. نویسنده به زبان ارمنی مسلط نبوده و به همین دلیل کلمات تکراری را با املائی مختلف آورده است، به طوری که اسامی خاص را به صورت غلط ثبت کرده که در متن حاضر تصحیح شده است. اینک متن تصحیح شده ارائه می‌شود.

\*\*\*

اول دسامبر ۱۶۷۶ میلادی، لندن

دلیل نوشتن این یادداشتها این است که اولین ایستگاه بندری (منظور بندرگاه) عجمستان است که در ساحل دریاست و بنام بندرعباس می‌باشد، به طوری که از آنجا تا جزیره هرز هشت لیگ فاصله است. سپس بندرگاه دیگری به نام بندر کنگ وجود دارد.

بندر دیگری هم هست که نامش مسقط میباشد و بندر دیگری که در تسلط شاه عجمستان است نامش بحرین است.

از بندرعباس تا لار هفت روز راه سواره است، و از لار تا جهرم شش روز راه است. از جهرم تا شیراز که شهر بزرگ و زیبایی است و آب خوب و چشمه‌های بسیاری دارد، شش روز راه می‌باشد. از شیراز تا اصفهان که مفر شاه است، یک رودخانه بزرگ به نام زاینده‌رود دارد که در آن طرف رودخانه، حلقا، محل زندگانی مسیحیان ارمنی می‌باشد روی این رودخانه پلی بنا شده که معروف به پل‌اللهوردی‌خان است. این پل دارای نمود چهارچشمه می‌باشد که عرض هر کدام آن دوازده یا نوزده گز است. از روی این رودخانه که بگذریم، به طرف کاخ پادشاهی می‌رسیم که نامش عالی‌قاپوست و دارای یک میدان است که چهار جهتش را جوی‌های سنگی احاطه کرده است. تمام دیوارهای این شهر، از گل ساخته شده است و دارای بیست و چهار دروازه می‌باشد. روی این دروازه‌ها، بیست و چهار در کوچک وجود دارد. اندازه این شهر را میتوان با دور روز راه‌پیمائی بدست آورد. بعد از این شهر، دو تا سه روز راه است که به یکمد و دوازده ده بزرگ و کوچک که اصفهان را احاطه کرده برسیم. از هر سوی چهارگانه اصفهان که خارج شویم تا به کاشان - که شهر زیبایی است - برسیم، چهار روز راه است. از کاشان تا قزوین، هفت روز راه است.

از قزوین تا شهر فرح‌آباد هشت روز می‌باشد و از فرح‌آباد تا تبریز، شهر دیگری وجود ندارد. فرح‌آباد یک رودخانه خشکی دارد به نام قیالتو که با رودخانه ارس مخلوط می‌شود. از قره‌تاگور تا تبریز، شانزده روز راه است.

از اصفهان تا تبریز که شهر بزرگ و زیبایی است، سی و چهار منزل راه است. از تبریز تا شهر ایروان، شانزده روز است. از اصفهان تا ایروان هم پنجاه روز راه میباشد. از عجمستان تا یونان، به اولین شهر به نام ارزروم برمخوریم. از ارزروم تا موش، هفت روز راه است که شهر موش را به ارمنی، کلیسای کاراپت مقدس سلطان موش می‌گویند. در سمت راست ایروان رودخانه‌ای به نام زانگوچای وجود دارد که از کوه‌های گفام سر - چشمه می‌گیرد. از ایروان تا ارزروم که اولین شهر بزرگ عثمانی است، کوه معروفی به نام سیلان داغ (بیوراگان) وجود دارد. از این کوه، چشمه سارهایی سرازیر است که می‌گویند فرات از آن سرچشمه می‌گیرد. رودخانه ارس هم از همان کوه منشعب می‌شود.

از آنجا تا بغداد که آب همین فرات است - که از زیر شهر بغداد می‌گذرد - روی فرات ، یکصد و شصت برکه و یک پل قرار دارد . چهار طرف بغداد که سه طرف آن حصار کشیده شده ، طرف دیگر آن ، آب فرات است که به سوی بصره در حرکت است و با آب دریا میآمیزد .

از بغداد تا بصره ، بیست و چهار منزل راه است . از بغداد به اصفهان ، چهارتا پنج روز راه است . در آنجا رودخانه‌ای است به نام دربند که تا خاک شاهنشاهی با دو یا سه ساعت راه ، در حرکت است . از آنجا تا کرمانشاه که شهری کوهستانی و در تسخیر خان است ، بیست و دو روز راه است . پس از طی دو منزل از کرمانشاه تا همدان ، رودخانه‌ای است به نام پالای ورد که به طرف فرات در حرکت بوده و با آن در میآمیزد . از آنجا تا همدان ، سه روز راه سواره است . از کرمانشاه تا همدان و از همدان تا قزوین ، یازده روز راه میباشد .

اولین شهر بین قزوین ، و مشهد ، شهر قم است . از قزوین تا قم ، هشت روز راه می‌باشد . از قم تا تهران ، دوازده روز راه است . از تهران تا لاسگرد ، هفت منزل است و از لاسگرد تا دامغان ، نه منزل ، و از دامغان تا مزینان ، یازده منزل است .

از مزینان به شهر نیشابور میرویم . این شهر فیروزه فراوان دارد و تمام شهر به همین رنگ است که به فرنگی Turquoise می‌گویند . از نیشابور تا سبزوار ، شش منزل می‌باشد . از سبزوار تا مشهد ، دوازده منزل است ، که مقر پیر بزرگ قزلباش به نام امام رضا (ع) در آنجاست . مشهد با یک حصار بزرگ محصور شده است و دارای یک مسجد به نام امام رضا (ع) می‌باشد که تمامی گنبد آن از آجرهای طلائی ساخته شده است .

از مشهد که عقب بازگردیم یعنی از قزوین تا مشهد ، چهل و چهار منزل است . از غوریان تا هرات ، ده منزل است . هرات شهر بزرگی است که دیوار دارد . از هرات تا سبزوار شندان ، هفت منزل است . سبزوار تا شهر طیس ، یازده منزل است . از طیس تا کوشک نخود ، نه منزل می‌باشد . از کوشک نخود تا قندهار که شهری است بزرگ ، دوازده منزل است . از مشهد تا کاری‌ماش و شهر بربرگ قندهار ، چهل و چهار منزل می‌باشد .

از اصفهان تا شهر بزرگ قندهار صد یازده منزل می‌باشد . از مشهد تا مرو که شهر بزرگ قزلباش است ، هجده منزل است که تا اوزبکستان میرسد . از مشهد تا مری‌چای ، بیست منزل است و از آنجا تا اوزبکستان ، تحت تسلط شاه عجمستان می‌باشد .

من بطروس حوقایتسی پسر هاکوب ، این چند سطر را در شهر لندن که شهر پر خبری

است ، به قید کتابت در آوردم .